اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**بحث درباره‌ی آیه‌ی مبارکه‌ی لا ینال عهدی الظالمین بود که آیا به اصطلاح می‌شود به آن اثبات کرد که مثلا خلافة کسانی که ولو در یک برهه‌ای از زمان ظالم بودند مشرک بودند صلاحیت ندارند ، البته مرحوم آقای نائینی قدس الله نفسه عرض کردیم تمسک به این آیه را با آن آیه‌ی السارق و السارق از یک قبیل گرفتند از یک قبیل نیست جوابش گذشت به هر حال راجع به این آیه‌ی مبارکه صحبت‌هایی شده جواب‌هایی داده شده روایتی که در این جهت آمده که به آیه‌ی مبارکه این یک روایت واحده است که خیلی مفصل است و مرحوم شیخ صدوق قدس الله نفسه منفردا نقل کردند .**

**البته انفراد شیخ صدوق ما گاهی مثلا می‌گوییم شیخ طوسی منفردا ، انفراد شیخ طوسی یک جور است انفراد شیخ صدوق جور دیگری است اشتباه نشود کلمه‌ی انفرد را به کار می‌بریم انفراد صدوق به خاطر این است که ایشان کتابی نوشته به نام عیون اخبار الرضا اصطلاح آن زمان مصنف بوده است ، مصنف یعنی احادیثی را که در یک صنف و یک باب هستند یک جا جمع می‌کنند .**

**نظر ایشان این بوده که آن چه که منسوب است به حضرت رضا یک جا جمع بکند انفراد طبیعی است دیگر اگر بنایشان این باشد هر چه منقول از حضرت رضاست یک جا جمع بکند طبیعتا خیلی انفراد پیدا می‌کند که نه در کافی هست و نه در تهذیب هست و نه در کتاب‌های دیگر غرض این انفراد مضر نیست .**

**سند هم از اول سند اسمائی که ذکر شده چون رضی الله عنه ندارد البته ایشان رضی الله عنه را فقط برای شیخش می‌آورد اشتباه نشود ، این که می‌گویند ترضی صدوق این ترضی صدوق برای کل سند نیست ترضی صدوق برای خصوص استادش است شیخش است ، یک بحثی هم کردند آقایان در توثیقات عامه که ترضی دلالت بر وثاقت کند ، توضیحاتش هم سابقا عرض کردیم ترضی نهایت دلالت بر این بکند که ایشان امامی است و از اهل سنت نیست اما اینکه دلالت بر وثاقت بکند یا مقامات علمی بکند نه در آن جهت نیست .**

 **و عرض شد مرحوم شیخ صدوق مشایخ درجه دو و سه و چهار و پنج و اینها زیاد دارد بلکه اگر روی حساب احتمالات که امروز به اصطلاح روی حساب آمار حساب بکنیم معظم مشایخ ایشان نه به لحاظ روایت به لحاظ وجود خود استاد این مراد من این است که اصلا فرض کنید مشایخ معروف ایشان هفت هشت نفرند مثل پدر ایشان یا ابن الولید لکن روایات آنها خیلی زیاد است شاید هفتاد درصد روایات برای آنها شصت درصد برای آنهاست .**

**عدد مشایخ خیلی زیادند مشایخ مجهول و درجه دو و سه هم خیلی زیادند اما روایات بیشترش از مشایخ مشهورند یعنی این دو تا نسبت حساب احتمالات را فراموش نکنید یک دفعه روی عدد مشایخ حساب می‌کنیم ، مشایخ مجهول ایشان فوق العاده زیادند یک دفعه روی روایات حساب می‌کنیم بله از مشایخ معروف زیاد نقل کردند از آن مجهول کمتر نقل کردند .**

**علی ای کیف ما کان و به طور طبیعی عرض کردیم اهل سنت حتی در کتب مشهورشان ما اصولا بحث‌های فهرستی نمی‌توانیم انجام بدهیم روشن نیست از کجا گرفته شده است طبعا در اینجا هم همینطور بحث فهرستی‌اش روشن نیست و معلوم نیست از کجا گرفته شده است مشایخش هم مجهولند یعنی افرادی که هستند مجهولند درست نمی‌شناسیم و طبیعی هم هست چون هدفش جمع روایاتی بوده که از حضرت رضاست مخصوصا اگر مخالفین نقل کرده باشند که این حدیث را هم مخالفین نقل کردند لذا ایشان بیشتر نظر مبارکش روی آوردن روایت این بوده است .**

**پس این دلالت بر ارزش روایت فی نفسه نمی‌کند این مقداری که ایشان آورده اما به هر حال اصل مطلب حالا با در نظر گرفتن اولا روایت خیلی مفصل است و نکات لطیفی دارد انصافا خوب آن بحث کلی روایت بحث تکه‌های روایت احتیاج به یک جلسه‌ی دیگری دارد و مرحوم صدوق یک روایت دیگری را هم مرحوم برهان ، حالا یکی دو تا نکته قبل از ورود در بحث عرض بکنم .**

**در تفسیر برهان در ذیل این آیه‌ی مبارکه این تفسیر برهان آن چاپ اولیه که خوب خیلی هم غلط دارد هم بی تحقیق است و خیلی فاقد ارزش علمی است بعدها من یک چاپی دیدم که در حاشیه‌اش سندها را تقریبا بررسی کرده نمی‌دانم بعد از آن چاپ دوم چاپ دیگری هم شده یا نه یا چاپ مصححی به هر حال هم این کتاب احتیاج به چاپ مصحح و خوب دارد این جای بحث نیست و هم اینکه اصولا یک تفسیر ماثور در شیعه نوشته بشود که از نظر علمی دقیق باشد هم کاملا استقصاء کرده باشد خیلی مورد نیاز است .**

**خدا رحمت کند مرحوم آقای ابطحی شروع کردند یک دو جلدش تقریبا علوم قرآن است چاپ شد بقیه‌اش ظاهرا تا جایی که من می‌دانم چاپ نشد به هر حال ما در شیعه نیاز به یک تفسیر این جوری داریم .**

**یکی از حضار : مجموعه‌ی آقای معرفت دارند**

**آیت الله مددی : مجموعه‌ی آقای معرفت را که من دیدم رحمة الله علیه رفیقم بود یکی دو تا بیشتر نیست کامل است ؟**

**یکی از حضار : جدیدا گفتند که یک مقداری کامل شده است .**

**آیت الله مددی : من ندیدم این را من ندیدم البته ایشان خوب در حدیث شناسی و اینها وارد نبودند رحمة الله علیه خوب این بحث‌های علم رجال غیبت درش دارد این هم یک کمی غیبت شد . نه تخصص فنی ایشان**

**یکی از حضار : آقای مصطفوی**

**آیت الله مددی : آن هم به یک جهتی دارد بعضی روایاتی که در برهان نیست لکن من حیث المجموع برهان بهتر است ، دیگر خیلی غیبت نکنیم ما را به غیبت آقایان وادار نکنید . به هر حال آن هم مشکلات فراوان خودش را دارد .**

**به هر حال ما نیاز داریم من خیلی وارد این بحث نشوم ما یک نیاز شدیدی در این قسمت داریم که یک تفسیر جامعی در روایات روی اصول فنی نوشته بشود .**

**یکی از حضار : الان نرم افزار در اینترنت الوحی که سرچ می‌کنیم**

**آیت الله مددی : هر آیه را می‌آورد نه این به صورت علمی باشد و به صورت کتابت باشد و دقیق باشد اسماء انحرافات ، تصحیفات، تحریفات و اینها و مساله‌ی اختلاف نسخ و بعضی چیزهایی که اصلا باز گاهی مربوط نیست در ذیل همین آیه فرض کنید مرحوم بحرانی در برهان یک حدیث از کافی آورده شماره زده برایش خیلی خوب بعد از چند تا دیگر شماره زده همین حدیث را از امالی مرحوم مفید نقل کرده که آن هم از کافی نقل کرده عین حدیث کافی است خود حدیث کافی را ایشان نقل کرده به اصطلاح بنده مصادر طولی است برای مصادر طولی نباید شماره‌ی مستقل زد ، علی ای حال دیگر نمی‌خواستم وارد این خصوصیات بشوم .**

**اولین حدیثی را که ایشان آورده اگر آن چاپ قدیم باشد نمی‌دانم در این نرم افزار ها هست یا نه صفحه‌ی 147 است یک حدیثی است از مرحوم صدوق نقل می‌کند ایشان به اسم محمد بن علی بن الحسین البته ایشان طبق قاعده‌ای که دارند اسم افراد را که می‌برند مصدر را نمی‌گویند البته وقتی می‌گوید محمد بن یعقوب قاعدتا کلینی است دیگر کافی است دیگر چون کتاب دیگری فعلا از ایشان نداریم اما وقتی می‌گوید صدوق چون کتاب زیاد دارد انصافا انسان در اشتباه واقع می‌شود این حدیث را که ایشان از محمد بن علی بن الحسین نقل می‌کند از کتاب معانی الاخبار صدوق است اگر هست در این دستگاه‌ها ذیل آیه‌ی 124 سوره‌ی بقره دارد ؟**

**یکی از حضار : ارجاع به خصال دادند آل البیت چاپ کرده کتاب را**

**آیت الله مددی : نه این در معانی الاخبار است ، حدیث اول یا دوم است حالا من شماره‌ی حدیث را ، متن حدیث در ذهنم نیست**

**یکی از حضار : 317 را بیاورید**

**آیت الله مددی : شما این آیه‌ی مبارکه‌ی 124 را بیاورید و من ذریتی سوره‌ی ، کتاب برهان دیگر این واضح است ، کتاب برهان و من ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین آن حدیثی را که آورده چون یک نکته‌ای دارد من این نکته را عرض بکنم**

**اصولا ببینید اگر اصطلاحی دارند علائم حیات، حیات یا حی اصطلاحشان این است هر موجودی که بتواند قابلیت این را داشته باشد چیزی که ضد زندگی و حیات است را از خودش دفع بکند این زنده است و الا مرده است . وقتی به ما اشکال علمی می‌شود دفع کردیم زنده‌ایم تشیع زنده است و الا مرده .**

**ببینید اینجا ایشان یک حدیث بسیار مفصل شاید به این چاپ جدید دو سه صفحه بشود نقل کرده از محمد بن علی بن الحسین نمی‌دانم آوردید آقا ، همان چاپ قدیم است صفحه‌ی 147 کتاب است ؟ چاپ قدیم کتاب آن پنج شش جلدی ، این چون خودش هم قائل به تحریف هم هست این را عمدا چاپ کردند این کتاب را**

**یکی از حضار : محمد بن علی بن بابویة قال حدثنا علی بن احمد بن محمد بن عمران دباغ**

**آیت الله مددی : این صفحه‌ی چند است ؟**

**یکی از حضار : به چاپ ما 317**

**آیت الله مددی : نه یک چند سطر بخوانید یک چند سطر از حدیث بخوانید بعد از سند**

**یکی از حضار : قال هی الکلمات التی تلقاه آدم من ربه فتاب علیه فهو انه قال یا رب اسئلک بحق محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین این روایتی که ذیل آیه‌ی 124 سوره‌ی بقره آورده است**

**آیت الله مددی : بعد بخوان**

**یکی از حضار : فقلت له یابن رسول الله فما یعنی عز وجل وقوله فاتمهن قال یعنی فاتمهن بالامامة الی القائم علیه السلام اثنی عشر اماما تسعة من ولد الحسین علیه السلام قال المفضل فقال یابن رسول الله اخبرنی عن قول الله عز وجل وجعل الله کلمة باقیة فی اهل البیت قال یعنی به الامامة جعل الله فی عقب الحسین الی یوم القیامة فقلت له یابن رسول الله فکیف صارت الامامة فی ولد الحسین**

**آیت الله مددی : لانه سبطا رسول الله بله**

**یکی از حضار : سبطاه و سیدا شباب اهل الجنة وقال علیه السلام ان موسی و هارون کانا نبیین مرسلین اخوین وجعل الله النبوة فی صلب هارون دون صلب موسی ولم یکن لاحد ان یقول لم فعل الله ذلک وان الامامة خلافة لله عز وجل لیس لاحد ان یقول لم جعله الله فی صلب الحسین دون صلب الحسن وان الله هو الحکیم فی افعاله لا یسئل عما یفعل وهم یسئلون بعد ادامه داد واذ ابتلی ابراهیم ربه**

**آیت الله مددی : ببینید ولقول الله تعالی وجه آخر این کلام صدوق است ذیل روایت آورده است حدود دو صفحه است ، ایشان توجه نفرمودند که اصلا جزو حدیث نیست ، این صدوق دارد می‌گوید ولقول الله تعالی و لذا اگر هم بخوانند حالا یک کمی چند تا سند واضح است عبارت ، چون در چاپ ما ندارد از این جهت این کلا کلام صدوق است یعنی وقتی که چاپ می‌شود اشتباه می‌شود که مثلا این کلام امام باشد این کلا شاید نزدیک به دو صفحه است نیست ، نزدیک به دو صفحه باید باشد چون من عرض کردم چاپ جدید ندارم این کلا از اینجا تا آخر که خیلی هم طولانی است از آن چاپ قدیم یک صفحه هم شاید بیشتر است ، این کلا کلام صدوق است .**

**یکی از حضار : به چاپ ما چهار صفحه است تقریبا**

**آیت الله مددی : عجب چهار من فکر می‌کردم به چاپ جدید دو صفحه می‌شود ، حدود چهار صفحه است این کلا کلام مرحوم خود صدوق است و اشتباها به عنوان ذیل روایت مفضل مثلا چاپ شده است .**

**البته این روایت یک مقداری عجایب دارد ، نمی‌خواستم بگویم چون حالا دیگر ایشان خواند از اول سند بخوانید این از مفضل بن عمر هم هست ، از مفضل بخوانید از اول دقاق مرحوم دقاق**

**یکی از حضار : قال محمد بن علی بن بابویة قال حدثنا علی بن احمد بن محمد بن عمران دقاق رضی الله عنه ،**

**آیت الله مددی : این رضی الله عنه چون شیعه است به اصطلاح عرض کردم ترضی صدوق ، ترضی صدوق هم عرض کردم فقط در استادش است در بقیه‌ی سند نمی‌بینیم و این علامت این که این استاد ایشان شیعه است در آن روایتی که لا ینال عهدی الظالمین رضی الله عنه ندارد ، لذا آنها همه سنی هستند بفرمایید .**

**یکی از حضار : قال حدثنا حمزة بن قاسم العلوی العباسی**

**آیت الله مددی : خوب این حالا البته علوی عباسی عادتا اصطلاحا حالا در انساب اولاد حضرت ابوالفضل هستند دیگر اصطلاحا چون اگر اولاد عباس عموی پیغمبر باشند علوی نیستند مثل بنی العباس آن که می‌گوید عباس و علوی یعنی عباس بن علی یا مثلا العمری العلوی یعنی عمر بن علی و الا می‌گوید العمری اگر از خاندان خود عمر باشد می‌گویند العمری اگر از خاندان عمر بن علی بن ابی طالب باشد می‌گویند العمری العلوی اصطلاح است ، العباسی العلوی از اولاد حضرت ابوالفضل سلام الله علیه ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : قال حدثنا جعفر بن محمد بن مالک کوفی**

**آیت الله مددی : این تضعیف شده بد جوری هم تضعیف شده و لکن خوب بعضی ها هم سعی کردند توثیقش کنند شرحی دارد که حال خواهیم گفت ، ایشان بزاز بوده در کوفه بوده جعفر بن محمد بن مالک خوب بحث خاصی دارد که الان من نمی‌خواهم اشاره کنم لکن چون یک نکته‌ای است یعنی ما وقتی روی یک نفری حساب باز می‌کنیم این حساب بی حساب نیست خیلی بی کتاب نیست حالا این جعفر بن محمد بن مالک که حالا کیف ما کان که من نمی‌خواهم وارد توضیحاتش بشوم عن محمد بن زیاد ازدی این ابن ابی عمیر است حالا خود آن آقا اصلا ابن ابی عمیر را دیده یا ندیده الله اعلم ، عن محمد بن زیاد ازدی .**

**یکی از حضار : محمد بن حسین**

**آیت الله مددی : ببخشید محمد بن حسین بن زید ، محمد بن حسین طبقه‌اش شاید بر او مقدم باشد این محمد بن حسین بن ابی الخطاب است ، ابو الخطاب اسمش زید است ببینید از یک شخصیت بسیار مشهوری مثل محمد بن حسین نقل می‌کند بعد ؟**

**یکی از حضار : قال حدثنا محمد بن زیاد ازدی**

**آیت الله مددی : این همان ابن ابی عمیر است . خوب ابن ابی عمیر خطش معلوم است عن مفضل اصلا ابن ابی عمیر به مفضل نمی‌خورد این حدیث عجیب و غریب برای همان است . آن بحث‌های فهرستی که ما عرض می‌کردیم این بود بحث سر افراد نیست بحث سر این جعفر بن محمد بن مالک نیست ، حالا کیف ما کان از یک شخصیت بزرگ یک حدیث کاملا یعنی ، اصلا این که آیا اصلا ابن ابی عمیر مرحوم مفضل را دیده یا ندیده محل کلام است .**

**علی ای حال این جزو احادیث بسیار ، چون کم است در شیعه گفتیم حالا برای شما شرح حا سندش را هم بدهم خیلی به اصطلاح به حسب ظاهر مشکل نمی‌بینید مخصوصا بعضی‌ها آمدند توثیق کردند جعفر بن محمد را اصلا مرحوم نجاشی می‌گوید من تعجب می‌کنم ابو غالب زراری که شیخ شیعه است چرا از این شخص نقل می‌کند اصلا ، می‌گوید من تعجب می‌کنم چرا از این حالا بعضی‌ها گفتند نجاشی تعجب می‌کند نه این علامت وثاقت ایشان است خیلی خوب حالا وارد آن بحث‌ها نمی‌شویم اما این دقت بکنید چطور سند ، یک سند عجیب و غریبی را به هم دیگر چسبانده محمد بن حسین بن ابی الخطاب که از اجلاء درجه‌ی یک اصحاب است از ابن ابی عمیر می‌رود به مفضل و احادیث عجیبی دارد به هر حال این یک نکته بود که نمی‌خواستیم الان وارد بشویم یک نکته‌ی دیگر هم**

**یکی از حضار : هم در معانی الاخبار هست هم در خصال با همین سند**

**آیت الله مددی : خصال هم آمده ؟**

**یکی از حضار : فقط با این سندی که ایشان آورده از معانی الاخبار هم همینطور که حضرتعالی فرمودید اما در این خصال فقط نفر اولش فرق می‌کند به جای دقاق حدثنا علی بن محمد بن موسی رضی الله عنه بقیه‌ی سند یکی است .**

**آیت الله مددی : در کمال الدین هم هست ،**

**یکی از حضار : کمال الدین هم دارد بله**

**آیت الله مددی : با همین سند ، همه‌ی متن را دارد ؟**

**یکی از حضار : بله با همین سند بله تا آخر که من می‌بینم**

**آیت الله مددی : ولقول وجه آخر هم دارد ؟ فکر نمی‌کنم**

**یکی از حضار : وجه الاخر در معانی الاخبار است .**

**آیت الله مددی : آمده در همه آمده است ؟**

**یکی از حضار : نه آن عبارت نیامده ، ادامه‌اش را ندارد**

**آیت الله مددی : احتمال می‌دهم شاید در معانی الاخبار آمده باشد**

**یکی از حضار : در خصال هست**

**آیت الله مددی : دارد و لقول ابی عبدالله وجه آخر ؟**

**یکی از حضار : بله دارد**

**آیت الله مددی : عجیب است خیلی عجیب است .**

**علی ای حال کیف ما کان خیلی روایت انصافا به هم پاشیده است . یک مطلبی را هم مرحوم آقای حالا چون یک کمی دیگر خارج شدیم مرحوم آقای طباطبائی در ذیل این آیه‌ی مبارکه دارند یک عبارتی ایشان دیروز خواندیم که گفت بعضی مشایخ ما سوال شده بود چهار وجه ذکر کرده است ، اگر زحمت نیست صفحه‌ی 224 همین تفسیر المیزان همین ذیل آیه‌ی مبارکه ایشان یک تلخیص انصافا هم عرض کردم حالا با قطع نظر از بعضی جهات اما انصافا در ذیل این آیه خیلی لطایف خوبی را کلا در اینجا حدود چهار پنج صفحه مطرح کردند این حدیث را هم نیاوردند تصادفا این حدیث را نیاوردند اما احادیث دیگری را آوردند از کافی و اینها .**

**غرض اینکه در ذیل آن نگاه کنید ایشان هفت تا معنا هفت تا مطلب از مجموع آیه درمی‌آورد همان صفحه‌ی 224 آخرش است .**

**یکی از حضار : 270 است اینجا .**

**آیت الله مددی : 224 است**

**یکی از حضار : همین که می‌گوید قد ظهر مما تقدم من بیان الامور**

**آیت الله مددی : ها امور سبعة بله**

**یکی از حضار : وقد سئل بعض اساتیدنا**

**آیت الله مددی : بعدش ، بعدش وقد ظهر امور سبعة ، هفت تا مطلب را استظهار می‌کنند قشنگ است جای توجه دارد خوب است چون حالا دیگر بحث به آیه رسید یک مقداری هم راجع به این صحبت کنیم . بخوانید این عبارت ایشان را .**

**یکی از حضار : الاول ان الامامة لمجعولة ،**

**آیت الله مددی : بله حالا لام نمی‌خواست ، مجعولة من الله**

**یکی از حضار : الثانی ان الامام یجب ان یکون معصوما بعصمة الهیة**

**آیت الله مددی : این لا ینال عهدی به اصطلاح**

**یکی از حضار : الثالث ان الامر فیه الناس لا تخلوا عن امام**

**آیت الله مددی : بله چون فرمودند من ذریتی ایشان فرمود لا ینال یعنی این ذریه همین طور ادامه دارد ، البته بخوانید تا من عرض کنم بعد از آن ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : الرابع ان الامام یجب ان یکون مؤیدا من عند الله تعالی**

**آیت الله مددی : همان عهدی است و بعد هم ، بعدی‌اش را هم بگویید تا من باز بگویم .**

**یکی از حضار : الخامس ان اعمال العباد غیر محجوبة عن علم الامام**

**آیت الله مددی : این از خود آیه شاید این در نیاید مثل کلش که نقص فی امام مبین بیشتر در می‌آید بفرمایید**

**یکی از حضار : السادس انه یجب ان یکون عالما بجمیع ما یحتاج الیه الناس فی امور معاشهم ومآلهم**

**آیت الله مددی : بسیار خوب**

**یکی از حضار : بعدی السابع انه یستحیل ان یوجد فیه من یفوته فی فضائل النقص**

**آیت الله مددی : بله لکن در روایات ما دارد که از این آیه معلوم می‌شود که امامت باید حتما در ذریة ابراهیم باشد در غیر از ذریة ابراهیم امامت نیست . این را ننوشته است ، چیزهای دیگر نوشتند که استظهارش از آیه مشکل است ، لان ابراهیم قال و من ذریتی ، این روایت هم دارد می‌گوید فیجب ان تکون الامامة فی ذریة ابراهیم .**

**یکی از حضار : ظهور ندارد ، دارد ؟**

**آیت الله مددی : چرا دیگر من ذریتی .**

**یکی از حضار : گفت من ذریه‌ام گفت نه .**

**آیت الله مددی : تازه آن هم من ذریتی من تبعیض است آن هم دارد که بعضی از ذریه صلاحیت دارند همه‌ی ذریه نه .**

**علی ای حال بعد ایشان یکی دو سطر بعد یک ان قلتی دارد این ان قلت ایشان هم بخوانید یک کمی سریعتر اجمالا هم قشنگ است ایشان می‌خواهد بگوید اهتداء و هدایت ممکن است باشد اما امامت نباشد نبوت باشد امامت نباشد ، این مطلب لطیفی است ایشان دارد بخوانید .**

**یکی از حضار : فان قلت لو کانت الامامة هی الولایة بامر الله تعالی**

**آیت الله مددی : اینجا از آیه‌ی مبارکه‌ی یهدون بامرنا اشاره به آن آیه است نه به این جا . این آیه‌ای که درش هدایت است اینجا نیست این آیه هدایت نیست وجعلنا منهم ائمة یهدون بامرنا این اشاره‌ی به آن دارد چون این آیه را هم قبلا در اثناء آیه آورده است معلوم شد این ان قلت و قلت ایشان بعضی‌هایش مربوط به این است بعضی‌هایش مربوط به آیه‌ی یهدون بامرنا است ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : فان قلت لو کانت الامامة هی الهدایة بامر الله وهی الهدایة الی الحق الملازمة مع الاهتداء بالذات کما استفید من قوله تعالی افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع کان جمیع الانبیاء ائمة قطعا بوضوح ان نبوة النبی لا یتم الا باهتداء من**

**آیت الله مددی : این نکته‌ی لطیف ایشان ، ایشان می‌خواهد بگوید از هدایت در می‌آوریم که هر جا هدایت بود امامت هم باشد ، این لطیف است این نکته‌ی ایشان ، ایشان می‌گوید نه خود آیات قرآن بین این دو تا فرق گذاشته است این خیلی عجیب است این مطلب ایشان حالا به نظر من خیلی واضحش نکرده است حالا کاملا رویش فکر می‌کند خیلی عجیب است آیه برایش روشن می‌شود .**

**یعنی ممکن است مساله‌ی هدایت حتی هدایت الهی نسبت به الله هدی الله لکن باز تعبیر به امامت و عهدی نشده است . حالا گفتم خلاصه‌اش بعد بقیه‌اش را قلت جواب ایشان .**

**یکی از حضار : الذی یتحصل من البیان**

**آیت الله مددی : این خیلی لطیف است عرض کردم این نکته بعد هم آیه‌ای را ذکر می‌کند که من دیدم حیف است این آیه رویش کار نشود انصافا خیلی اینجا را تنبه لطیفی پیدا کرد ، الذی یتحصل بخوانید**

**یکی از حضار : الذی یتحصل من البیان السابق المستفاد من الآیة ان الهدایة بالحق وهی الامامة تسلتزم الاهتداء بالحق**

**آیت الله مددی : ببینید امامت تستلزم اهتداء به حق لکن هر جا که هدایت به حق بود لازم نیست امام باشد ، این خیلی نکته‌ی لطیفی است ، ان ال بخوانید یک بار دیگر**

**یکی از حضار : واما العکس وهو ان یکون کل ما اهتدی بالحق هادیا لغیره بالحق حتی یکون کل نبی یهتدی به ذات امام فلم یتبین بعده**

**آیت الله مددی : خیلی این نکته خیلی جالب است خیلی نکته‌ی جالبی است انصافا یک تنبه لطیفی ایشان کرده که احتیاج به شرح بیشتری دارد ایشان شرح دادند اما انصافا احتیاج به شرح بیشتری دارد . آن وقت این آیه را که یک آیه‌ی طولانی است ایشان می‌خوانند بعد بخوانید .**

**یکی از حضار : وقد ذکر سبحانه هذا الاهتداء بالحق من غیر ان یقرنه بهدایة الغیر بالحق فی قوله تعالی**

**آیت الله مددی : خیلی عجیب است این یکی از آیات عجیبه‌ای است یعنی عده‌ای از انبیاء الهی را مرتبا خداوند ذکر کرده درشان هدایت آورده نه کلمه‌ی عهد الله آورده و نه کلمه‌ی امام خیلی عجیب است ، این را آقای طباطبائی هم متنبه نشدند ، این نکته‌ای است که من عرض می‌کنم ، این خیلی جای توجه دارد حدود پنح شش سطر آیاتی است که انبیاء الهی ذکر شدند لکن نه درش کلمه‌ی عهد الله آمده عهدی آمده ، خیلی عجیب است و نه درش کلمه‌ی امام آمده است .**

**یکی از حضار : بعضی‌هایش که هستند امام در همین ذریه‌ی ابراهیم هم هستند .**

**آیت الله مددی : باشند اما می‌گویم این جا این نکته را از این زاویه دیده است ، حالا بخوانید آیه‌ی قرآن خیلی عجیب است اما انصاف، عرض کردم این دو نکته را که عهدی و امامت حالا ایشان نظرش روی کلمه‌ی امامت بوده است ، عهدی هم درش ذکر نشده است بخوانید آیه را**

**یکی از حضار : وهبنا له اسحاق و یعقوب**

**آیت الله مددی : اولا وهبنا که هیچ بخشیدیم به او اسحاق و یعقوب**

**یکی از حضار : کلا هدینا**

**آیت الله مددی : اسحاق فرزند خود حضرت ابراهیم است ، یعقوب اسرائیل است ، اسرائیل یعقوب است ، یعنی بنی اسرائیل در حقیقت از یعقوبند بنی فرزندان دوازده پسر داشت یعقوب دوازده پسر داشت لذا بنی اسرائل نامیده شد . چند دفعه هم عرض کردم الان هم اسرائیل و یهودی‌ها این طور هستند خودشان را مثل بلا نسبت ماها شجره نامه داریم مثلا سادات موسوی حسنی حسینی آنها هم همینطوری هستند خودشان را به یکی از این دوازده پسر یعقوب می‌رسانند اولاد یوسف اولاد بنیامین الی آخره ، لاوی زیادتر است در آنها**

**یکی از حضار : کلا هدینا ونوحا**

**آیت الله مددی : ببینید کلا هدینا ، نگفت کل امام . بعد هم اگر دقت بشود هدایت را به نحو جمع آورده است . یعنی در آن نظام عام تکوینی این ها یک هدایت خاص الهی پیدا کردند حالا این یک شانی دارد که دیگر الان من وقتش ندارم باید یک وقت دیگر شرح بدهم .**

**کلا هدینا ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : و نوحا هدینا من قبل**

**آیت الله مددی : نوحا هدینا ، بله بفرمایید**

**یکی از حضار : و من ذریته داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون**

**آیت الله مددی : عجیب است و چه ؟**

**یکی از حضار : و من ذریته داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون وکذلک نجزی المحسنین**

**آیت الله مددی : اینجا به عنوان نجزی المحسنین البته من یک وقتی هم در همین بحث مکاسب آقایان اگر یادشان باشد عرض کردم محسن در قرآن این محسنی که ما الان در فارسی به کار می‌بریم نیست محسن در کلمات فارسی کسی است که خیرش به دیگری برسد کار زیبایش ، حسن یعنی زیبا ، کار خوبش به دیگری اما در اصطلاح قرآن محسن یعنی کسی که خودش کار خوب انجام می‌دهد ، خودش فی نفسه این دو تا را با همدیگر فرق بگذارید این قاعده‌ی لیس علی المحسنین من سبیل که قاعده‌ی فقهی است ، این محسنش معنای فارسی است نه به معنای عربی لیس علی المحسنین من سبیل در قرآن عربی است این قاعده‌ای که در کلمات فقهای ما آمده این را یک وقتی توضیح دادیم چون نکته‌ی لطیفی بود رویش فکر کنید به هر حال ، بفرمایید .**

**وکذلک ببینید وکذلک نجزی المحسنین یعنی این کسانی که در ، البته چون محسن به این تصوری که ما کردیم کسی است که فعل حسن و زیبا و خوب و کامل از او صادر می‌شود خوب این هم کلی مشکک است وقتی انبیاء از محسنین باشند در آن درجه‌ی اعلای از محسنین هستند ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : وزکریا و یحیی و عیسی و الیاس کل من الصالحین**

**آیت الله مددی : ببینید خیلی عجیب است ، کل من الصالحین .**

**یکی از حضار : عجیبش الان چیست ، به اصطلاح اینها را ، حضرتعالی در ذهن مبارکتان**

**آیت الله مددی : عجیبش این است که نمی‌گوید کل من الائمة مثلا یا کل من اهلنا**

**یکی از حضار : محسنین به این بعدی‌ها نمی‌گوید باز می‌گوید من الصالحین**

**آیت الله مددی : یعنی عناوین متعددی که تمام این عناوین ، عناوین درجه‌ی یک هستند گفته شد اما اینکه عهدی گفته نشده یا اینکه امام گفته نشده است .**

**یکی از حضار : استاد خود آیه به نظرم خود آیه‌ی قبل و من ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین ثابت کرده همین آیه بالملازمة که اینها امام هستند چون حضرت ابراهیم درخواست**

**آیت الله مددی : اصلا در روایات ما دارد که مصدر ، ایشان می‌خواهد بگوید نبی ممکن است باشد اما در این عنوان امامتی که**

**یکی از حضار : خود حضرت ابراهیم الان چه چیزی درخواست کرده**

**آیت الله مددی : علی ای حال حالا اجازه بدهید ما آیه را بخوانیم ایشان معنایش دیگر خیلی خارج می‌شویم حالا بخوانیم و کل من الصالحین بعد ؟**

**یکی از حضار : واسماعیل والیسع ویونس و لوطا وکلا فضلنا علی العالمین**

**آیت الله مددی : ببینید و کلا فضلنا علی العالمین ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : ومن آبائهم و ذریاتهم واخوانهم واجتبیناهم وهدیناهم**

**آیت الله مددی : ببینید اجتبیناهم ، ما آنها را برگزیدیم وهدیناهم الی صراط مستقیما . اینها در حقیقت این هدایت الهی یک هدایت خاصی است در تمام این ، یعنی تمام عناوین عجیبی را در ذیل آیه‌ی مبارکه برای این همه انبیاء آورده و بعد بخوانید .**

**یکی از حضار : ذلک هدی الله یهدی به**

**آیت الله مددی : با اینکه می‌گوید این هدی الله است ، یعنی هدایت هست خیلی عجیب است هدایت الهی هم هست یعنی بالاترین درجات هدایت ، هدایت الهی است . ذلک هدی الله ، بله .**

**یکی از حضار : ولو اشرکوا لحبط عنهم ما کانوا یعملون ، اولئک الذین آتیناهم الکتاب والحکم والنبوة**

**آیت الله مددی : ببینید کتاب و حکم و نبوت و ... خیلی عجیب است این آیه‌ی غریبی است یعنی انصافا**

**یکی از حضار : اینها پیغمبر بودند امام کسی دیگری بوده است ؟**

**آیت الله مددی : ها آیه می‌خواهد یک چیزی بگوید که اینها همه هدایت الهی دارند اما امام انی جاعلک للناس اماما یک چیز خاصی است در روایات ما هم دارد که اصلا اتخذ الله ابراهیم خلیلا بعد نبوة بعد کذا آن آخرین مقام است ، این روایت صحیح و معتبر است خل داشت همه‌ی مقامات داشت دقت می‌کنید بعد بخوانید .**

**یکی از حضار : فان یکفر بها هؤلاء فقد وکلنا بها قوما لیسوا بها بکافرین اولئک الذین هدی الله**

**آیت الله مددی : اولئک الذین هدی الله ، هدایت الهی شامل فبهداهم**

**یکی از حضار : فبهداهم اقتده**

**آیت الله مددی : تازه رسول الله هم باید همان راه هدایت را ادامه بدهد ، اولئک ، اصلا نسبت هدایت هم به خدا داده شده است ، این یک ،**

**مرحوم آقای طباطبائی نمی‌دانم حالا ملتفت یعنی آن عنایت ظاهرش که می‌خواهند عنایت بکنند که در باب نبوت هم اهتداء و هدایت هست ، اما در باب امامت چیز دیگری است .**

**یکی از حضار : اولش که امام نبود حضرت ابراهیم امام روی زمین چه کسی بود ؟ یکی انسان دیگری بود که او مقامش بالاتر بوده ناشناخته بوده است**

**آیت الله مددی : امام نبود اما فرض کنیم مثلا پیغمبر بود مثلا لازم ندارد حجت لازم دارد لازم نیست که امام باشد .**

**علی ای حال همین طوری که مرحوم آقای طباطبائی روی این آیه فکر بشود ، خیلی آیه‌ی طولانی است خیلی عجیب است اسماء الهی ذریه‌ی ابراهیم سلام الله علیه خیلی تعجب آور است دو نکته‌ی**

**به هر حال ما آنکه فعلا ظاهر آیات را حالا دیگر وارد آن بخش**

**یکی از حضار : استاد مگر این ها ظالم بودند که**

**آیت الله مددی : نستجیر بالله ، نستجیر بالله ، نه هدایت نه فقط هدایت عادی هدایت الهی دارد اصلا دارد کلا هدینا ، اصلا هدینا غیر از هدی الله هم هدیناهم دارد و هم دارد هدی الله اینها را خدا هدایت کرده هدایت نسبت داده شده به خدا مستقیم به خدا لکن چیز غریبی که درش قرار داده شده لا ینال عهدی الظالمین و مساله‌ی انی جاعلک للناس اماما .**

**وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین**